

نحوست ایام از منظر قرآن، روایات و عقل؛ با تکیه بر دیدگاه علامه طباطبائی (ره)

مرتضی سازجینی *

دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم ایران

حسین علوی مهر **

دانشیار تفسیر و علوم قرآن جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

محمد حسین شیر افکن ***

دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۳)

چکیده

در برخی از آیات قرآن و روایات معصومان(ع) به مسئله نحوست ایام اشاره شده است. در میان مفسران، درباره ذاتی و یا غیر ذاتی بودن نحوست ایام اختلاف وجود دارد. در پژوهش حاضر به بررسی این مسئله در قرآن و روایات معصومان به روش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر آراء علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان پرداخته شده است. حاصل پژوهش آنکه نحوست مطرح شده در قرآن، مربوط به وقایع اتفاق افتاده برای قوم عاد است که بسیار شدید و سخت بوده است و امکان دارد که منظور از «یوم نحس» روز بسیار سرد باشد. از نظر عقلی نیز راهی برای اثبات نحوست ایام وجود ندارد. در روایات معصومان(ع) به نحوست ایام اشاره شده است و البته راه دفع این نحوست، همچون صدقه دادن، صیام، خواندن آیه الکرسی و پذیرش ولایت ائمه، بیان شده است و ملاک در نحوست ایام نحس، صرفاً تفال زدن خود مردم است. در نهایت، معنای برداشت شده در پژوهش از نحوست، با معنای رایج در بین مردم که منظور از نحوست ایام را حالتی که مانع از انجام فعل و یا اعمال را فاقد برکت می‌کند، مطابقت ندارد و منظور از نحوست، وقوع حوادث ناگوار در روز است که نسبی می‌باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، ایام، نحس، حوادث ناگوار.

* E-mail: mortaza.1370@chmail.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: halavimehr5@gmail.com

*** E-mail: mh.shirafkan12@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم در دو آیه به نحوست ایام اشاره کرده است و این آیات در مورد عذاب قوم عاد هستند. در هر دو آیه واژه «نحس» به کار رفته است، که این آیات به قرار ذیل هستند: ﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنْصَرُونَ﴾^۱ «پس بر آنان تندبادی توفنده در روزهایی شوم فرستادیم تا در زندگی دنیا عذاب رسوایی را بدانان بچشانیم و قطعاً عذاب آخرت رسواکننده تر است و آنان یاری نخواهند شد.» ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ﴾^۲ «ما بر [سر] آنان در روز شومی، به طور مداوم، تندبادی توفنده فرستادیم».

آیات به نحس بودن روزهای عذاب قوم عاد پرداخته اند، اما در مورد اینکه نحوست ایام به دلیل وقایع صورت پذیرفته در آنها و یا به دلیل خصایص ذاتی برخی ایام باشد، اشاره نشده است. وجود روایاتی که به نحوست برخی از ایام سال دلالت دارند، موجب شده است تا مفسران فریقین در ذیل آیات مطرح شده به بحث در این مورد بپردازند و هر کدام بر اساس مستندات که ارائه می کنند، یکی از این نظرات را در تفسیر خویش برگزینند. و در مواردی مشاهده شد که عده ای بدون بیان دلیل، مذهب تشیع را به جعل احادیث در این مورد متهم کرده اند.

با توجه به اختلافات زیادی که در بین مفسران در مورد چگونگی نحوست ایام وجود دارد، ضرورت دیده شد تا تحقیقی به صورت مستقل در این زمینه صورت گیرد تا علاوه بر شناخت ادله و نظریه مختار مفسران، به بررسی و نقد آنها بپردازیم و در پایان قول ارجح را بر اساس آیات قرآن، روایات معصومان (ع) و مطابق با عقل سلیم ارائه دهیم.

در این تحقیق واژه «نحس» را در کتب لغت، آیات و روایات بررسی خواهیم کرد. در مورد کتب لغت، شاهد مثال هایی که صاحبان کتاب در مورد معنای واژه بیان کرده اند، مورد ملاک خواهد بود و در بیان مفاد آیات نیز بیانات مفسران فریقین مورد بررسی قرار خواهد گرفت و ملاک در پذیرش آراء مطابق بودن با نص آیات است. شیوه بررسی روایات نحوست ایام نیز بدین

۱. فصلت/۱۶

۲. القمر/۱۹

صورت است که تنها روایاتی که به نقل از معصومان(ع) در کتب معتبر وارد شده است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واژه نحس از ماده (ن ح س) است که به صورت مصدر و اسم هر دو آمده است. ارباب لغت گفته‌اند: «النَّحْسُ: خلاف السَّعْد».^۳ و برخی دیگر علاوه بر معنای ضد سعادت، معنای صعوبت و دشواری را نیز ذکر کرده‌اند.^۴ عرب بادی سرد را زمانی که نابود کند، نحس خوانده است.^۵ و همچنین باد غبار آلود و غبار موجود در طبقات آسمان نیز نحس گفته شده است.^۶

از مشتقات کلمه نحس که در قرآن کریم به کار رفته می‌توان به «النَّحَّاسُ» اشاره کرد: ﴿يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَّاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ﴾^۷ که منظور از نحاس شعله بدون دود است.^۸ عرب به مس نیز نحاس می‌گوید. وجه تسمیه این حالت به نحاس این است که در رنگ شبیه رنگ مس است؛ یعنی زردی که متمایل به سرخی شدید است.

راغب اصفهانی در جمع‌بندی معنای مشترک جامع در استعمالات واژه «نحس» آورده که اصل نَحْس این است که افق و کرانه آسمان مانند رنگ مس سرخ رنگ شود؛ یعنی شعله‌ای بدون دود و این معنی به صورت مثلی برای هر چیز شوم و ناخوشایند، در آمده است.^۹ صاحب کتاب التحقيق نیز به معنای شدت تیره‌گی اشاره کرده و می‌نویسد که نحوست برخلاف سعادت است و سعادت حالتی است که صفا، خیر و صلاح اقتضا دارد ولی نحوست مانع از این امور است.^{۱۰}

در مورد معنای واژه نحس در استعمالات آن در کتب لغت باید متذکر شد که همانگونه که مشاهده می‌شود، عرب زمانی که با وقایع غیرطبیعی مانند آسمان غبار آلود، باد سرد رو به رو

۳. فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج: ۳، ص: ۱۴۴؛ ابن درید، ۱۹۹۸م، ج: ۱، ص: ۵۳۶

۴. ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج: ۳، ص: ۲۰۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج: ۶، ص: ۲۲۷

۵. ازهری، بی‌تا، ج: ۴، ص: ۱۸۵

۶. فیروز آبادی، ۱۴۲۰ق، ج: ۲، ص: ۳۹۴

۷. الرحمن/ ۹۵

۸. ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج: ۵، ص: ۴۰۱؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج: ۴، ص: ۱۱۰

۹. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص: ۷۹۴

۱۰. مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج: ۱۲، ص: ۵۵

می‌شد به کار می‌برد و سپس در موارد ناخوشایند به صورت گسترده به کار برده است. بدین ترتیب می‌توان گفت که هنگام مواجهه با امری خارجی که موجب مشقت شود، واژه نحس به کار می‌رود. در مورد نحوست ایام نیز باید متذکر شد که موارد استعمالی نشانگر این مطلب است که نحوست ایام ذاتی نیست؛ بلکه به خاطر وقایعی ناگواری است که در آنها اتفاق می‌افتد.

۱. نحوست ایام از منظر قرآن کریم

همانگونه که اشاره شد واژه «نحس» یک بار به صورت مفرد در آیه ۱۹ سوره قمر و یک بار به صورت جمع «نحسات» در آیه ۱۶ سوره فصلت بکار رفته است. شایان توجه است که هر دو آیه، مربوط به عذاب قوم عاد است.

قرآن کریم دلیل نزول عذاب بر قوم عاد را چنین بیان کرده است: ﴿فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَحْحَدُونَ﴾^{۱۱} «و اما عادیان، به ناحق، در زمین سر برافراشتند و گفتند: «از ما نیرومندتر کیست؟» آیا ندانسته‌اند که آن خدایی که خلقشان کرده خود از ایشان نیرومندتر است؟ و در نتیجه آیات ما را انکار می‌کردند.» چنانکه از آیه برداشت می‌شود استکبار و انکار آیات خداوندی موجب نزول عذاب بر ایشان شده است. آیه بعد با جمله ﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ﴾ شروع شده است و حرف «فاء» عاطفه دانسته شده است^{۱۲}. عطف در این آیه از نوع سببیت است، یعنی اعمال قوم عاد که در آیات قبلی گزارش شده، موجب نزول عذاب بر ایشان شده است. درباره اینکه نزول عذاب بلافاصله بعد از تکذیب قوم عاد باشد، دلالت صریحی به این مسئله در آیه وجود ندارد.

در سوره مبارکه قمر نیز به داستان عذاب قوم عاد اشاره شده و در آنجا نیز علت عقاب، تکذیب آنها بیان شده است: ﴿كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِي﴾^{۱۳} «عادیان به تکذیب پرداختند. پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من؟]» در ادامه به نوع عذاب ایشان پرداخته شده که همان

۱۱. فصلت/۱۵

۱۲. صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸: ص ۲۹۴

۱۳. قمر/۱۸

ارسال «ریح صرصر» بر ایشان است. ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ﴾^{۱۴} «ما بر آنان در روزی شوم که شومی اش استمرار داشت، تندبادی سخت و بسیار سرد [به عنوان عذاب] فرستادیم».

مفسران در مورد اینکه آیا روزهای عذاب قوم عاد ذاتا نحس بوده و یا اینکه این نحوست به خاطر وقایع رخ داده در ایام عقوبت است، اختلاف دارند. از ظاهر آیات برداشت می شود که نحوست ایام عذاب قوم عاد ذاتی بوده است. اما بر این دیدگاه اشکالاتی وارد است که به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

اشکال نخست بر این فرض بدین گونه است که اگر روزهای عذاب قوم عاد ذاتی باشد، بنابراین، هم زمان مردم در سرزمین های دیگر نیز گرفتار این نحوست می شدند در صورتی که آنان مستحق این عذاب نبودند. عدم رخداد این امر و همچنین عدالت خداوند، اقتضا دارد که نحوست ایام مطرح شده در آیات مطلق نبوده بلکه نسبی باشد؛ یعنی فقط قومی مورد عذاب قرار گرفته اند را شامل شود و همانگونه که اغلب مفسران بیان کرده اند، نحوست ایام مخصوص قوم عاد بوده است.^{۱۵}

اشکال دوم بر نحوست ذاتی ایام اینکه اگر چنین بود، باید تمام روزهای هفته منحوس باشد، زیرا در آیه ۱۶ سوره فصلت (ایامِ نحسات) آمده و دلالت دارد این که این ایام چندین روز بوده است. آیه ۱۹ سوره قمر البته به صراحت این مطلب را تأیید نمی کند، چنانکه مفسران در این که «مستمر» صفت «یوم» است یا «نحس» دچار اختلاف شده اند. در صورت اول مفهومش این است که حوادث آن روز هم چنان استمرار یافت و در صورت دوم معنایش این است که نحوست این روز ادامه یافت تا همگی را هلاک کرد.^{۱۶} به هر حال آیات سوره حاقه نشان می دهد که عذاب آنان هفت شب و هشت روز بوده است. ﴿وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (۶) سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ

۱۴. قمر/۱۹

۱۵. طوسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ص ۲۸۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۷: ص ۱۳۵

۱۶. مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۲۳: ص ۳۹

سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴿١٧﴾ «و اما عاد، به [وسیله] تندبادی توفنده سرکش هلاک شدند. [که خدا] آن را هفت شب و هشت روز پیایی بر آنان بگماشت: در آن [مدت] مردم را فروافتاده می دیدی، گویی آنها تنه های نخلهای میان تهی اند». البته برخی از مفسرین بر این اعتقادند منظور از یوم در آیات فوق قطعه ای از زمان است، نه روز لغوی که یک هفتم هفته است.^{۱۸}

اشکالات نظریه ذاتی بودن نحوست ایام، در قرآن را بررسی کردیم. علاوه بر نقدهای فوق شواهدی نیز وجود دارد که بر این نکته دلالت دارند که نحوست ایام به خاطر وقایع رخ داده در آنها است. از جمله این شواهد اینکه در قرآن کریم علاوه بر اینکه به نحوست ایام اشاره شده است، از مبارک بودن بودن برخی از ایام یاد شده است. ﴿وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲) إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ﴾^{۱۹} «سوگند به کتاب روشنگر، [که] ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم، [زیرا] که ما هشداردهنده بودیم.» که منظور از شب مبارک در آیه، شب قدر است.^{۲۰} و از شب قدر در قرآن با عظمت بزرگی یاد شده است. ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾^{۲۱} «شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است» ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَايِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾^{۲۲} «در آن [شب] فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند» به گفته علامه طباطبائی^(ره) «برگشت معنای مبارک بودن آن شب و سعادتش به این است که عبادت در آن شب دارای فضیلت است و ثواب عبادت در آن شب قابل قیاس با عبادت در سایر شبها نیست، و در آن شب عنایت الهی به بندگان که متوجه ساحت عزت و کبریایی شده اند نزدیک است.»^{۲۳} چنانچه مشاهده می شود مبارک بودن این شب به خاطر واقعه و خیری است که خداوند در آن قرار داده است چه آنکه قبل از ظهور اسلام ماه رمضان وجود داشته است ولی در

۱۷. حاقه ۷-۶

۱۸. طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹: ص ۷۰

۱۹. دخان/۳-۲

۲۰. ر.ک: طوسی، بی تا، ج ۹: ص ۲۲۴

۲۱. قدر/۳

۲۲. قدر/۴

۲۳. طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹: ص ۷۲

داده است چه آنکه قبل از ظهور اسلام ماه رمضان وجود داشته است ولی در مورد هیچ یک از شب‌های آن به این اندازه فضیلت نقل نشده است.

نکته دیگری که در فهم معنای واژه «نحس» در قرآن موثر است اینکه نباید به معنای ارتکازی و رایج امروزی این آیات را تفسیر کرد؛ همانگونه که در بخش لغوی اشاره شد، معنای امروزی که از واژه نحس برداشت می‌شود معنای ثانویه آن است. مفسران متقدم نیز در کتب تفسیری خود به معانی همچون شدت، مشقت^{۲۴} و روز باد نابود کننده^{۲۵} گرفته‌اند.

آنچنان که از نظر گذشت، عرب باد بسیار سرد را نیز نحس خوانده است. با توجه به قرائنی که در آیات وجود دارد، احتمال دارد که منظور از «یوم نحس» روز بسیار سرد باشد.^{۲۶} زیرا در آیاتی که در مورد نابودی قوم عاد است، از تعبیری همچون ﴿كَانَ هُمْ أَعْجَازُ نَحْلٍ خَاوِيَةٍ﴾^{۲۷} ﴿كَانَ هُمْ أَعْجَازُ نَحْلٍ مُنْقَعِرٍ﴾^{۲۸} و در سوره ذاریات آمده است: ﴿مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرِّمِيمِ﴾^{۲۹} به هر چه می‌وزید آن را چون خاکستر استخوان مرده می‌گردانید. بنابر این «آن باد، طوفان نبوده است، زیرا از منهدم شدن عماراتشان سخن نرفته است، همین قدر فرموده که در اثر آن باد، مانند چیز پوسیده و خشکیده می‌کرد، از این به نظر می‌آید که آن باد، باد بسیار سردی بوده، مانند بادهایی که از قطبین می‌وزند، در اثر وزیدن هفت شب و هشت روز، هوا چنان سرد شده که خون در بدنهایشان منجمد شده و همه مانند تنه درخت به زمین افتاده‌اند، و سرما به قدری شدید بود که هر چیز را منجمد و بی‌قوام می‌کرد، مانند زمینی و دیواری که در اثر سرما بریزد و خاک شود.^{۳۰}»

۲۴. مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ص ۷۳۸؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷: ص ۵۸

۲۵. نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ص ۷۸۰

۲۶. فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۱: ص ۲۸۶

۲۷. حاقه/ ۷

۲۸. قمر/ ۱۹

۲۹. ذاریات/ ۴۲

۳۰. قرشی، ۱۳۷۵ش، ج ۹: ص ۴۲۰

۲. بررسی نحوست ایام در روایات معصومان (ع)

احادیث بسیاری از معصومان (ع) درباره سعد و نحس ایام هفته و سعد و نحس ایام ماه‌های عربی و نیز از ماه‌های فارسی و از ماه‌های رومی رسیده، که در نهایت کثرت است. اینک به دسته‌بندی این احادیث و مفاد آنها خواهیم پرداخت. در این میان روایات اهل سنت در این باره که از پیامبر اسلام (ص) نقل نموده‌اند را بیان و نظر مفسران عامه را درباره این احادیث بازگو می‌کنیم.

روایات در این زمینه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: اول روایاتی هستند که مطلقاً بعضی از ایام سال را منحوس شمرده‌اند و روایات دسته دوم روایاتی هستند نحوست ایام را به طور مطلق رد کرده‌اند، روایات دسته سوم دلیل و نحوه رفع منحوسات را بیان نموده‌اند.

۲-۱. روایاتی به طور مطلق بر نحوست ایام دلالت دارند

در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) رسیده که به حسنین (ع) فرمودند: (تَوَقَّوْا الْجَمَامَةَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَإِنَّ الْأَرْبَعَاءَ نَحْسٌ مُسْتَمِرٌّ وَ فِيهِ خُلِقَتْ جَهَنَّمُ وَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ سَاعَةٌ لَا يَخْتَجِمُ فِيهِ أَحَدٌ إِلَّا مَاتَ)^{۳۱}؛ «از حجامت چهارشنبه و جمعه پرهیزید که چهارشنبه روز نحس دائم است و در آن دوزخ را آفریده‌اند، و در جمعه ساعتی هست که هر کس حجامت کند تلف شود.»

البته نظیر این روایت در کتب دیگر حدیثی موجود است؛ چنانکه از امام صادق (ع) از امام علی (ع) نقل کرده‌اند: (وَ قَالَ الصَّادِقُ ع- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَتَوَقَّى النُّورَةَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ- فَإِنَّهُ يَوْمٌ نَحْسٍ مُسْتَمِرٌّ وَ يَجُوزُ النُّورَةُ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ)^{۳۲} «برای مرد، شایسته است که از نوره گذاشتن در روز چهارشنبه پرهیزد؛ زیرا که آن روز نحس پایدار است و نوره گذاری در سایر ایام جایز است.»

۳۱. ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق.: ص ۱۲۵

۳۲. ابن بابویه، ۱۴۱۳ق.: ج ۱: ص ۱۲۰

در روایات اهل سنت نیز به نحوست ایام اشاره شده است، از عایشه نقل شده است که گفته است (کان رسول الله صلی الله علیه و سلم يقول یَوْمَ نَحْسِ یَوْمِ الْأَرْبَعاء)^{۳۳}؛ «رسول خدا (ص) می فرمود که روز نحس، روز چهارشنبه است.»

۲-۲. روایات منکر نحوست ایام

از سوی دیگر روایاتی موجود است که معصومان (ع) مردم را از نحس دانستن ایام به طوری که آن روز مانع از انجام فعل شود، باز داشته‌اند. از جمله در حدیثی آمده است که یکی از یاران امام هادی (ع) می گوید: خدمت حضرت (ع) رسیدم در حالی که در مسیر راه انگشتم مجروح شده بود، و سواری از کنارم گذشت و به شانه من صدمه زد، و در وسط جمعیت گرفتار شدم و لباسم را پاره کردند، گفتم: خدا مرا از شر تو ای روز حفظ کند، عجب روز شومی هستی! امام فرمود: با ما ارتباط داری و چنین می گویی؟! و روز را که گناهی ندارد گناهکار می شمری؟ آن مرد عرض می کند از شنیدن این سخن به هوش آمدم و به خطای خود پی بردم، عرض کردم ای مولای من من استغفار می کنم، و از خدا آمرزش می طلبم، امام (ع) افزود:

«مَا ذَنْبُ الْأَيَّامِ حَتَّى صِرْتُمْ تَسْأَلُونَ بِهَا إِذَا جُوزِيتُمْ بِأَعْمَالِكُمْ فِيهَا»؛ «روزها چه گناهی دارد که شما آنها را شوم می شمردید هنگامی که کیفر اعمال شما در این روزها دامانتان را می گیرد؟! راوی می گوید: عرض کردم من برای همیشه از خدا استغفار می کنم و این توبه من است ای پسر رسول خدا»^{۳۴}.

امام فرمودند:

(وَاللَّهُ مَا يَنْفَعُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَعَاقِبُكُمْ بِدَمِّهَا عَلَى مَا لَا دَمَ عَلَيْهَا فِيهِ أَمَا عَلِمْتَ يَا حَسَنُ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُثِيبُ وَالْمُعَاقِبُ وَالْمُجَازِي بِالْأَعْمَالِ عَاجِلًا وَآجِلًا قُلْتُ بَلَى يَا مَوْلَايَ قَالَ ع لَا تَعْدُ وَلَا تَجْعَلْ لِلْأَيَّامِ صُنْعًا فِي حُكْمِ اللَّهِ).

۳۳. سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ص ۱۳۵

۳۴. ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ص ۴۸۲

«این برای تو فایده‌ای ندارد، خداوند شما را مجازات می‌کند به مذمت کردن چیزی که نکوهش ندارد، آیا تو نمی‌دانی که خداوند ثواب و عقاب می‌دهد، و جزای اعمال را در این سرا و سرای دیگر خواهد داد، سپس افزود: دیگر این عمل را تکرار مکن و برای روزها در برابر حکم خداوند کار و تاثیری قرار مده»^{۳۵}

این حدیث شریف دلالت دارد که روزها فی حد ذاته دارای شر نیستند، و به تعبیر دقیق‌تر «اگر روزها هم تأثیری داشته باشد به فرمان خدا است، هرگز نباید برای آنها تأثیر مستقلى قائل شد و نباید حوادثی را که غالباً جنبه کفاره اعمال نادرست انسان دارد به تأثیر ایام ارتباط داد و خود را تبرئه کرد»^{۳۶}.

در روایتی دیگر از امام صادق (ع) آمده است که ایشان در جواب مردی که از پایه علم نجوم پرسید فرمودند: «لَهُ أَصْلُ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ حَدِّثْنِي عَنْهُ قَالَ أُحَدِّثُكَ عَنْهُ بِالصَّعْبِ وَلَا أُحَدِّثُكَ بِالنَّحْسِ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ اسْمُهُ فَرَضَ صَلَاةَ الْفَجْرِ لِأَوَّلِ سَاعَةٍ فَهُوَ فَرَضٌ وَهِيَ سَعْدٌ وَجَعَلَ الظُّهْرَ لِسَبْعِ سَاعَاتٍ وَهُوَ فَرَضٌ وَهِيَ سَعْدٌ وَجَعَلَ الْعَصْرَ لِتِسْعِ سَاعَاتٍ وَهُوَ فَرَضٌ وَهِيَ سَعْدٌ وَ الْمَغْرِبَ لِأَوَّلِ سَاعَةٍ مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ فَرَضٌ وَهِيَ سَعْدٌ وَالْعَتَمَةَ لِثَلَاثِ سَاعَاتٍ وَهُوَ فَرَضٌ وَهِيَ سَعْدٌ»^{۳۷}. «آیا علم نجوم دارای پایه است؟ امام (ع) فرمود: بله. گفتم مرا از آن با خبر کنید. امام (ع) فرمودند به تو خبر می‌دهم که آن دشوار می‌باشد و نه نحس؛ خدای جلیل، نماز صبح را در اولین ساعت واجب کرد و آن واجب و سعد است و ظهر را در ساعت هفتم قرار داد و آن هم واجب و سعد است و عصر را در نهمین ساعت قرار داد و آن نیز واجب و سعد است و مغرب را در اولین ساعت شب قرار داد و آن نیز واجب و سعد است و سومین ساعتی که از شب گذشت نیز واجب و سعد است.

در این بین، برخی از مفسران اهل سنت به نادرستی، روایات نحوست ایام را به شیعیان منتسب کرده‌اند و آورده‌اند: «وإنما هو نزغات شيعية لا تستند إلى ركن من الدين ركين»^{۳۸} در صورتی که این

۳۵. ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق.: ص ۴۸۳

۳۶. مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۲۳: ص ۴۷

۳۷. ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ص ۲۶۵

۳۸. مراغی، بی تا، ج ۲۷: ص ۸۷

سخن مراغی با توجه به روایات مطرح نادرست است و علاوه بر آن روایات نحوست ایام از صحابه و تابعین در کتب تفسیری ایشان به وفور یافت می‌شود.^{۳۹} به طوری که بعضی از علما آن روایاتی را که نحوست بعضی از ایام را مسلم گرفته حمل بر تقیه کرده‌اند و خیلی هم بعید نیست، برای اینکه تفال به زمانها و مکانها و اوضاع و احوال و شوم دانستن آنها از خصایص عامه است که خرافاتی بسیار نزد عوام از امت‌ها و طوایف مختلف آنان یافت می‌شود و از قدیم الایام تا به امروز این خرافات در بین مردمان مختلف رایج بوده است.^{۴۰}

علامه طباطبائی^(ره) در مورد سند روایات نحوست ایام نیز می‌نویسند:

«این روایات که در جوامع حدیث نقل شده، و در کتاب بحار الانوار احادیث زیادی از آنها نقل شده، و بیشتر این احادیث ضعیفند، چون یا مرسل و بدون سندند، و یا اینکه قسمتی از سند را ندارند، هر چند که بعضی از آنها سندی معتبر دارد البته به این معنا که خالی از اعتبار نیست.^{۴۱}»

با صرف نظر از ضعیف بودن اکثر روایات نحوست ایام، باید به این نکته توجه کرد که معنای واژه «نحس» در کلام اهل بیت چیست؟ در این راستا در قسمت‌های قبلی تحقیق به معنای لغوی این کلمه پرداخته شد، حال باید بررسی نمود که آیا اهل بیت (ع) معنایی غیر از معنای استعمالی مشهور بین مردم را برای این واژه بکار بسته‌اند؟

در روایات اهل بیت (ع) اغلب واژه «نحس» در مورد ایام بکار رفته است. در مواردی غیر مسئله ایام، در مورد سختی و مشقت نیز بکار رفته است. (لَنْ تُعْرِفَ حَلَاوَةَ السَّعَادَةِ حَتَّى تُذَاقَ مَرَارَةَ النَّحْسِ)^{۴۲}؛ «شناخته نمی‌شود شیرینی نیکبختی تا این که چشیده شود تلخی بدبختی» در شرح این حدیث آمده است که مراد، اخبار از واقع است و این که تا کسی تلخی بدبختی را نچشد شیرینی نیکبختی را نمی‌شناسد و قدر آن را نمی‌داند مثل این که تا کسی تلخی بیماری را نچشیده باشد،

۳۹. سیوطی، ۱۴۰۴ق.، ج ۶: ص ۱۳۵

۴۰. طباطبائی، ۱۳۹۰ق.، ج ۱۹: ص ۷۴

۴۱. طباطبائی، ۱۳۹۰ق.، ج ۱۹: ص ۷۲

۴۲. تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ص ۱۶۷

شیرینی صحت را چنانکه باید نمی‌شناسد و همچنین تا تلخی فتنه و خوف را نچشد، شیرینی امنیت و عافیت را چنانکه باشد نمی‌داند، و همچنین در سایر مراتب^{۴۳}. در روایات دیگر کلماتی چون شوم به کار رفته که مترادف نحس است؛ مانند حدیث (خَالِدُ بْنُ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَذَكَّرْنَا الشُّومَ عِنْدَهُ قَالَ الشُّومُ فِي ثَلَاثَةِ الْمُرَأَةِ وَ الدَّائِيَةِ وَ الدَّارِ فَأَمَّا شُومُ الْمُرَأَةِ فَكَثْرَةُ مَهْرِهَا وَ عُقُوقُ زَوْجِهَا وَ أَمَّا الدَّائِيَةُ فَسُوءُ خُلُقِهَا وَ مَنَعُهَا ظَهْرَهَا وَ أَمَّا الدَّارُ فَضِيقُ سَاحَتِهَا وَ شَرُّ جِيرَانِهَا وَ كَثْرَةُ عُيُوبِهَا)^{۴۴}؛ «خالد بن نجیح گوید: در محضر امام صادق علیه السلام درباره «نحوست» گفتگو به میان آمد امام فرمود: بدبختی در سه چیز است: در زن، در مرکب، و در خانه. اما نحس بودن زن، سنگین بودن کابین او، و ناسازگاری و فراهم ساختن ناخوشنودی شوهرش می‌باشد، و در مرکب رام نبودن و سرکشی است که نگذارد بر آن سوار شوند، و شومی خانه در کوچک بودن صحن حیاط و داشتن همسایگان بد و عیوب زیاد می‌باشد.» و نیز حدیث (وَعَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ لَا يَضُرُّ الصَّائِمَ مَا صَنَعَ إِذَا اجْتَنَبَ ثَلَاثَ خِصَالٍ الطَّعَامَ وَ الشَّرَابَ وَ الْإِزْتِمَاسَ فِي الْمَاءِ وَ النَّسَاءِ وَ النَّحْسِ مِنَ الْفِعْلِ وَ الْقَوْلِ وَ الْغَيْبَةِ تُفْطَرُ الصَّائِمَ وَ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ)^{۴۵} چنانکه از احادیث فوق فهمیده میشود نحوست به معنای ناصالح، ناشایسته است.

در متن اغلب احادیث نحوست ایام، از نوره گذاشتن و حجامت نهی شده است در صورتی که اگر نحوست این روزها ذاتی باشد، باید تمام افعال را در بر گیرد. ضمن اینکه همانطور که بیان شد روایاتی وجود دارد که تعدادی از آنها با این روایات مخالف و تعدادی مقید این روایات هستند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۴۳. آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶ش، ج ۵: ص ۶۶

۴۴. ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ص ۱۵۲

۴۵. اشعری، ۱۴۰۸ق: ص ۲۳

۲-۳. روایاتی که علت نحوست ایام و چگونگی رفعش را بیان کرده‌اند

بعضا در روایاتی که ایامی را منحوس شمرده‌اند، دلیل نحوست نیز بیان شده است. از جمله آن روایتی از امیرالمومنین (ع) است که شخصی از ایشان درباره اینکه کدام چهارشنبه است که باعث تطیر و تشوم شده است؟ امام در پاسخ می‌فرماید که چهارشنبه آخر ماه است که آن را محاق گویند و در آن روز بود که قایل هابیل برادر خود را کشت و روز چهارشنبه بود که نمرودیان ابراهیم را در آتش افکندند و روز چهارشنبه بود که او را در منجنیق گذاشتند و روز چهارشنبه بود که حقتعالی فرعون را به دریا غرق کرد و روز چهارشنبه بود که حقتعالی قوم لوط را وارونه کرد و روز چهارشنبه بود که حقتعالی بادی که حامل ابر نبود بر قوم عاد فرستاد و جمیع آنها را چون استخوان پوسیده ریزه ریزه کرد و روز چهارشنبه بود که باغ کسانی که میوه باغ را از فقراء و مساکین منع کردند مثل تل ریگی شد که هیچ میوه در آن نباشد.^{۴۶}

در روایات از روزه گرفتن در روز عاشورا نهی شده است. در روایتی از امام رضا (ع) نقل شده که «ذَلِكَ يَوْمٌ صَامَهُ الْأَدْعِيَاءُ مِنْ آلِ زِيَادٍ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ ع وَهُوَ يَوْمٌ يَتَشَامُّ بِهِ آلُ مُحَمَّدٍ ص وَ يَتَشَامُّ بِهِ أَهْلُ الْإِسْلَامِ وَ الْيَوْمُ الَّذِي يَتَشَامُّ بِهِ أَهْلُ الْإِسْلَامِ لَا يُصَامُ وَلَا يُتَبَرَّكُ بِهِ»^{۴۷} به خاطر اینکه در روز عاشورا اشقیاء دشت کربلا این روز را به خاطر شهادت سرور جوانان بهشت، امام حسین (ع) مبارک دانسته‌اند و روزه گرفته‌اند، مؤمنان را از روزه در این روز نهی کرده‌اند. با توجه به روایات روشن است که در ایامی که نحس شمرده شده‌اند، وقایع ناگواری آن هم به صورت مکرر اتفاق افتاده است، مانند آخرین چهارشنبه ماه. در این باره علامه طباطبائی^(ره) می‌نویسند:

«معلوم است، رعایت ایام منحوسه و دوری از امور مطلوب و حوایجی که که انسان از کسب آنها لذت می‌برد موجب تحکیم تقوی و تقویت روحیه دینی می‌شود و عدم اعتناء و

۴۶. ابن بابویه، ۱۳۷۸ق. ج ۱: ص ۲۴۷

۴۷. کلینی، ۱۴۰۷ق. ج ۴: ص ۱۴۶

اهتمام به آنها، و کوشش افسار گسیخته در بر آوردن آنچه که نفس هوس می کند، موجب رویگردانی از حق و هتک حرمت دین و مانع از کمک اولیائش خواهد شد. بنا بر این، برگشت نحوست این ایام به جهاتی از شقاوت‌های معنوی است، که از علل و اسباب اعتباری منشأ می گیرد که به نوعی از ارتباط، مرتبط به این ایام است، و بی‌اعتنایی به آن علل و اسباب باعث نوعی شقاوت دینی می شود.^{۴۸}

در لسان روایات اموری نیز برای رفع نحوست بیان شده است که این امور بدین شرح است:

۲-۳-۱. صدقه

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: «مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ حِينَ يُصْبِحُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ نَحْسَ ذَلِكَ الْيَوْمِ»^{۴۹} «کسی که بامدادان صدقه‌ای بدهد، خدای عز و جل پیشامد نحس آن روز را از او دفع می کند.»

۲-۳-۲. خواندن آیه الکرسی

علی بن ابراهیم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن حماد بن عثمان قال: قلت لأبي عبد الله ع أذكره السفر في شيء من الأيام المكروهة الأربعاء وغيره فقال افتتح سفرک بالصّدقة و اقرأ آية الكرسي إذا بدا لك^{۵۰}. به ابو عبد الله صادق (ع) گفتم: در روزهای نحس مانند چهارشنبه و غیره آغاز کردن سفر مکروه است؟ ابو عبد الله گفت: سفت را با صدقه آغاز کن و آیه الکرسی را تلاوت کن. البته باید به این نکته توجه شود که تلاوت آیه الکرسی نه بخاطر الفاظ آن است که مانند طلسم و جادو اثر بگذارد، بلکه انسان باید با تلاوت این آیه متذکر شود که همه موجودات در حفظ و

۴۸. طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹: ص ۷۲

۴۹. کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ص ۶؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ص ۲۶۹

۵۰. کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ص ۲۸۳

مراقبت خدا است پس در همه آنات و ساعات سفر به حفظ و رعایت و مراقبت خدا دلگرم باشد و خود را در پناه او قرار دهد.^{۵۱} چنانکه این مضامین در این آیه شریفه وجود دارد.

۲-۳-۳. روزه

در بعض روایات عنوان شده که صیام باعث رفع نحوست ایام می شود. (لَأَنَّ الصَّادِقَ أَخْبَرَ بَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ النَّارَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَفِيهِ أَهْلَكَ اللَّهُ الْقُرُونِ الْأُولَى وَهُوَ يَوْمٌ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ فَأَحَبُّ أَنْ يَدْفَعَ الْعَبْدُ عَنْ نَفْسِهِ نَحْسَ ذَلِكَ الْيَوْمِ بِصَوْمِهِ)^{۵۲} امام صادق (ع) در مورد استحباب روزه چهارشنبه در دهه وسط این است خداوند متعال آتش را در چنین روزی آفرید و نیز در همین روز حق تعالی طوائف و امم گذشته را هلاک فرمود و این روز نحسی است؛ لذا حق تعالی دوست دارد بنده اش نحوست این روز را با گرفتن روزه از خود دور کند.

۲-۳-۴. ولایت معصومان (ع)

ابی نواس می گوید به حضرت امام هادی (ع) عرض کردم: آقای من، از حضرت صادق (ع) راجع به روزهای ماه چیزهایی و اخبارهایی به من رسیده می خواهم آنها را بیاورم و به شما عرضه بدارم. امام (ع) فرمود: بیاور من آنها را آورده با نظر امام تصحیح نمودم. و عرضه داشتم: سید من بسیاری از روزهای ماه نحس شمرده شده و به بعضی از آنها خطرها و نحس ها نسبت داده شده که مانع از رفتن من بدنبال کار است، مرا به آنهایی که احتراز از آنها لازمست رهبری فرما. که گاهی ضرورت است که بدنبال حوائج خود بروم، امام (ع) فرمود: «يَا سَهْلُ، إِنَّ لِشِيعَتِنَا بَوْلَايَتَنَا عِصْمَةً، لَوْ سَلَكَوا بِهَا فِي جُفَاءِ الْبَحَارِ الْعَامِرَةِ وَ سَبَاسِيبِ الْبَيْدَاءِ الْغَائِرَةِ، بَيْنَ سَبَاعٍ وَ ذَنَابٍ، وَ أَعَادِي الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ، لَأَمْنُوا مِنْ مَخَاوِفِهِمْ بَوْلَايَتِهِمْ لَنَا، فَتَقِ بِاللَّهِ (عَزَّ وَ جَلَّ)، وَ أَخْلِصْ فِي الْوَلَاءِ لِأَيُّمَتِكَ الطَّاهِرِينَ، وَ تَوَجَّهْ حَيْثُ شِئْتَ، وَ أَقْصِدْ مَا شِئْتَ: اِی سَهْلُ برای شیعیان ما ولایتی که دارند نگهدار و پناه است، که اگر به عمق دریاها غوطه خورند و در دل بیابانهای بی آب و علف به میان درندگان و دشمن از جن

۵۱. بهبودی، ۱۳۶۳ش، ج ۳: ص ۲۷۸

۵۲. ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۱: ص ۲۷۲

و انس راه پیمایند از خطرهای امان باشند، پس بخدای متعال اتکاء کن و در ولایت به ائمه علیهم السلام خالص باش، بعد به هر جا خواهی برو و هر مقصدی را که داری^{۵۳}».

از روایات برداشت می‌شود که نحوست ایام ذاتی نیست؛ که اگر چنین نبود صدقه، صیام، خواندن آیاتی از قرآن و تحت ولایت حضرات معصومین (ع) بودن، نمی‌توانست نحوست آنها را بر طرف کند. به طوری در خصال به سند خود از محمد بن احمد دقاق روایت کرده که گفت: نامه‌ای به امام ابو الحسن دوم (ع) نوشتم، و از مسافرت در روز چهارشنبه آخر ماه پرسیدم، در پاسخم نوشتند: کسی که در چهارشنبه آخر ماه علی رغم اهل طیره (و خرافه‌پرستان) مسافرت کند، از هر آفتی ایمن خواهد بود، و از هر گزند محفوظ مانده، خدا حاجتش را هم بر می‌آورد^{۵۴}.

بنابر این چنانکه علامه طباطبائی^(د) بیان کرده‌اند؛ ملاک در نحوست ایام نحس صرفاً تفال زدن خود مردم است، چون تفال و تطیر اثری نفسانی دارد و این روایات در مقام نجات دادن مردم از شر تفال (و نفوس) است، می‌خواهد بفرماید اگر قوت قلبت به این حد هست که اعتنایی به نحوست ایام نکنی که چه بهتر، و اگر چنین قوت قلبی نداری دست به دامن خدا شو، و قرآنی بخوان و دعایی بکن^{۵۵}. و مسئله شوم شمردن اشیاء و روزها- (به معنایی که مانع از فعل شود)- مسئله‌ای که در طوایف مختلف انسانی رسوخ کرده است و بیرون کردن این تصور ذهنی، اعتقاد به خدا و عمل به معارف دین مهم‌ترین عامل می‌تواند باشد؛ زیرا کسی که به خداوند ایمان دارد می‌داند که هیچ قدرتی بالاتر از او نیست و همه چیز در سیطره‌اش است و چنین شخصی هیچ گاه خود را در مقابل اتفاقات روزمره ذلیل نمی‌یابد.

۵۳. طوسی، ۱۴۱۴ق.: ص ۲۷۷

۵۴. ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۲: ص ۳۸۶

۵۵. طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹: ص ۷۴

۳. نحوست ایام از نظر عقلی

نحوست روز و یا مقداری از زمان به این معنا است که در آن زمان به غیر از شر و بدی حادثه‌ای رخ ندهد، و اعمال آدمی و یا حداقل نوع مخصوصی از اعمال برای صاحب عمل برکت و نتیجه خوبی نداشته باشد، و سعادت روز درست بر خلاف این است.^{۵۶}

همه روزها مخلوق خداوند هستند و از این جهت تفاوتی با هم ندارند. زمان ظرفی است که انسان بتواند در آن به حوایج دنیایی و اخروی خویش دست یابد، شوم بودن قسمتی از زمان با این هدف مغایر خواهد بود. فرض کنید مومنی که می‌خواهد نماز به جای آورد ولی شوم بودن زمان مانع از انجام و تقرب به خدای تعالی شود و این موارد با هدف خلقت یعنی عبادات منافات خواهد داشت. «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^{۵۷}؛ «جنّ و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند.» و این در صورتی است که خداوند بر همه چیز سیطره دارد. «وَ اللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^{۵۸}؛ «و خدا بر کار خویش چیره است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

البته از نظر عقل محال نیست که اجزاء زمان با یکدیگر تفاوت داشته باشند، بعضی دارای ویژگیهای نحوست، و بعضی ویژگیهای ضد آن، هر چند از نظر استدلال عقلی راهی برای اثبات یا نفی چنین مطلبی در اختیار نداریم، همین اندازه می‌گوئیم ممکن است ولی از نظر عقل ثابت نیست.^{۵۹}

یکی از قرآن پژوهان معاصر آورده‌اند که: «در قرآن از استغفار در سحرها ستایش شده که معلوم می‌شود، در عنصر زمان خصوصیتی است که ما نمی‌دانیم»^{۶۰} البته که چنین است و تجربه نیز نشان داده است که دعا در برخی اوقات به استجابت نزدیکتر است. اما باید توجه داشت که سحر، ظهر یا عشاء از لحاظ زمان بودن با هم تفاوتی ندارند، ولی هنگامی که این اوقات در ظرف تشریع

۵۶. طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹: ص ۷۱

۵۷. ذاریات/۵۶

۵۸. یوسف/۲۱

۵۹. مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ش، ج ۲۳: ص ۴۱

۶۰. قرائتی، ۱۳۸۸ش، ج ۸: ص ۴۸۷

واقع می‌شوند هر کدام خصلت ویژه‌ای به خود می‌گیرد. البته این خصلت‌ها نیز در مواجهه با امور انسانی تعریف پیدا می‌کند.

شرح سخن اینکه شما زمانی را فرض کنید که زمین بوده و انسان یا موجود دیگری بر روی آن نباشد، حال اوقات از لحاظ خصوصیت چه تفاوتی با هم خواهند داشت؟ از سوی دیگر خداوند در آیات متعددی به ازمنه قسم خورده است. «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ. وَ الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ»^{۶۱}؛ «سوگند به شب چو پشت گرداند، سوگند به صبح چون دمیدن گیرد» که نشان دهنده عظمت این اوقات است و تفاوتی ندارد که در کدام روزهای هفته قرار گیرند. در سوی مقابل نیز برخی از اوقات شر نامیده شده‌اند، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲) وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ»^{۶۲}؛ «بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده دم، از شر آنچه آفریده، و از شر تاریکی چون فراگیرد» پر واضح است که این شریّت زمانی به وجود می‌آید که در اجتماع انسانی قرار می‌گیرد. چنانچه مفسران نیز اشاره کرده‌اند، مراد از شرّ شب، حوادث نفرت‌انگیزی است که در آن رخ می‌دهد. هم‌چون به اجرا درآوردن نیرنگ‌ها و توطئه‌ها، دزدی، ترورها، کارهای زشت و خلاف و دیگر کارهایی که در شب برنامه‌ریزی می‌شود.^{۶۳}

در نتیجه می‌توان گفت که مبارک یا نحس و شرّ بودن روزها و شب‌ها به خاطر چیزهایی است که در آن ظرف زمانی واقع شده‌اند؛ یعنی به خاطر مظلوف است نه ظرف، ولی عرفاً به ظرف زمانی نسبت داده می‌شود.^{۶۴}

۶۱. تکویر / ۱۸-۱۷

۶۲. فلق / ۳-۱

۶۳. مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷: ص ۶۲۵

۶۴. رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج ۲۰: ص ۹۹

نتیجه گیری

با توجه به معنای خاصی که از نحوست، بدین ترتیب که نحوست روز و یا مقداری از زمان به این معنا است که در آن زمان به غیر از شر و بدی حادثه‌ای رخ ندهد و اعمال آدمی نتیجه خوبی نداشته باشد، در جامعه رایج است و اینکه در قرآن و روایات معصومان (ع) به نحوست ایام اشاره شده، تحقیق عهده دار بررسی رابطه این معنا با معنای مستفاد از آیات و روایات است. در این راستا در چهار بخش؛ یعنی کتب لغت، آیات، عقل و روایات به بررسی این موضوع پرداخته شد و نتیجه به این صورت است که:

۱. در مورد معنای واژه نحس در استعمالات آن در کتب لغت باید متذکر شد که همانگونه که مشاهده می‌شود، عرب در زمانی که با وقایع غیر طبیعی مانند آسمان غبار آلود، باد سرد، رو به رو می‌شد به کار می‌برد و سپس در موارد ناخوشایند به صورت گسترده به کار برده است. بدین ترتیب می‌توان گفت که هنگام مواجهه با امری خارجی که موجب مشقت شود، واژه نحس به کار می‌رود.

۲. واژه «نحس» در قرآن، یک بار به صورت مفرد در آیه ۱۹ سوره قمر و یک بار به صورت جمع «نحسات» در آیه ۱۶ سوره فصلت بکار رفته است. شایان توجه است که هر دو آیه مربوط به عذاب قوم عاد است. نحوست مطرح شده مربوط به وقایع اتفاق افتاده برای قوم عاد است که بسیار شدید و سخت بوده است و امکان دارد که منظور از «یوم نحس» روز بسیار سرد باشد.

۳. در روایات معصومان (ع) به نحوست ایام اشاره شده است و البته دفع این نحوست، همچون دادن صدقه، صیام، خواندن آیه الکرسی و پذیرش ولایت ائمه، بیان شده است و چنانکه علامه طباطبائی^(ره) بیان کرده‌اند، ملاک در نحوست ایام، صرفاً تفال زدن خود مردم است، چون تفال و تطیر اثری نفسانی دارد و این روایات در مقام نجات دادن مردم از شر تفال (و نفوس) است، می‌خواهد بفرماید اگر قوت قلبت به این حد هست که اعتنایی به نحوست

ایام نکنی که چه بهتر، و اگر چنین قوت قلبی نداری دست به دامن خدا شو، و قرآنی بخوان و دعایی بکن.

۴. از نظر عقل محال نیست که اجزاء زمان با یکدیگر تفاوت داشته باشند، بعضی دارای ویژگی‌های نحوست، و بعضی ویژگی‌های ضد آن، هر چند از نظر استدلال عقلی راهی برای اثبات یا نفی چنین مطلبی وجود ندارد.

در نهایت باید گفت از منظر قرآن، روایت، عقل و کتب لغت نحوست ایام ذاتی نیست.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). *الخصال*. قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق.). *عیون أخبار الرضا علیه السلام*. تهران: نشر جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵). *علل الشرائع*. قم: کتاب فروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق.). *معانی الأخبار*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق.). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
- ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۹۸م.). *جمهره اللغه*. بیروت: دارالعلم الملايين.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق.). *المحکم و المحيط الأعظم*. به تحقیق عبدالحمید هنداو، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق.). *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله*. قم: جامعه مدرسین، دوم.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب علیهم السلام*. قم: علامه.

- ابن فارس، أحمد بن فارس. (۱۴۰۴ق.). **معجم مقاییس اللغة**. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). **لسان العرب**. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
- ازهری، ابو منصور محمد. (بی تا). **تهذیب اللغة**. تحقیق علی حسن هلالی، قاهره: بی نا.
- اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی. (۱۴۰۸ق.). **النوادر**. قم: مدرسه الإمام المهدی (عج).
- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین. (۱۳۶۶). **شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم**. تهران: دانشگاه تهران، چهارم.
- بهبودی، محمد باقر. (۱۳۶۳). **گزیده کافی**. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶). **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم**. قم: دفتر تبلیغات.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). **مفردات ألفاظ القرآن**. بیروت: دار القلم.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۷). **تفسیر قرآن مهر**. قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق.). **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- صافی، محمود. (۱۴۱۸ق.). **الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویه هامه**. دمشق: دار الرشید، چهارم.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۰ق.). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصر خسرو، سوم.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق.). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار المعرفة.
- طریحی، فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵). **مجمع البحرين**. تهران: مرتضوی، سوم.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴ق.). **الأمالی**. قم: دار الثقافه.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). **النبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق.). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
- فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹ق.). *من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک.
- فیروز آبادی، مجد الدین محمد. (۱۴۲۰ق.). *قاموس المحيط*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۵). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، دوم.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۰۷ق.). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیة، چهارم.
- مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). *تفسیر المرائی*. بیروت: دار الفکر.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ق.). *التفسیر الکاشف*. قم: دار الکتب الإسلامی.
- مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق.). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیة، دهم.
- نیشابوری، محمود بن ابوالحسن. (۱۴۱۵ق.). *إيجاز البیان عن معانی القرآن*. بیروت: دار الغرب الإسلامی.